

تک‌برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: ارزنگ بامشاد دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۸۰ - ۱۳ آگوست ۲۰۰۱ شماره ۱۲۲

کنگره ششم سازمان کارگران سند سیاسی:

انقلابی ایران (راه کارگر) جنبش آزادی خواهی مردم ایران و امکانات و ناتوانی های چپ برگزار شد!

معطوف به سوسیالیسم

می سازد، زیرا دستگاه ولایت هر یک از این نوع پیروزی ها را بیان ضمنی نفرت مردم از مظاهر اصلی جمهوری اسلامی تلقی می کند و مقابله با آن را ضروری می یابد. ۵- دستگاه ولایت هر نوع اصلاح طلبی غیرمتعهد به ولایت فقیه و معطوف به بسیج مردم را شکلی از براندازی تلقی می کند و بنابراین، غیرقابل تحمل می داند. ۵- اصلاح طلبان مقید به قانون اساسی، زیـــــ فشار دستگاه ولایت از بقیه در صفحه ۲

قطع نامه کنگره ششم در رابطه با اتحاد چپ کارگری

در صفحه ۳

پیام ها

در صفحه ۴

(۱) نگاهی به حوادث یک سال گذشته جای تردید نمی گذارد که تأکیدات کنگره پنجم سازمان ما درباره مسدود شدن راه های قانونی پیش روی جنبش مردم ایران در مقابله با استبداد مذهبی، کاملاً درست بوده است. تجربه یک سال گذشته نشان داد که: الف- در جمهوری اسلامی، نهادهای انتخابی حکومتی در مقابل دستگاه ولایت - که هدایت کننده اصلی قدرت سیاسی است - وزنی ندارند و بدون موافقت آن از ایجاد کوچک ترین دگرگونی در امور حکومتی ناتوانند. ب- دستگاه ولایت از هر نوع اقدام جمعی وحشت دارد، زیرا - به درستی - مردم را در مقابله با موجودیت نظام می بیند و بنابراین، تضعیف امکانات بسیج مردم را به اولویت اصلی خود تبدیل کرده است. ج- پیروزی های "انتخاباتی" اصلاح طلبان حکومتی، هر قدر قاطع تر باشد، در عمل آن ها را ناتوان تر

کنگره ششم سازمان با حضور اعضاء سازمان در کنار جوانان نسل دوم و تعدادی از رفقای مهمان در اواخر تیرماه ۸۰ برگزار گردید. کنگره در طول کار خود بر پایه اسناد ارائه شده توسط کمیته مرکزی سازمان، به بحث و بررسی پرداخت و در کنار بررسی، تکمیل و تصویب سند سیاسی پیرامون اوضاع سیاسی، قطع نامه هایی نیز پیرامون اتحاد چپ کارگری، مسائل زنان، مسئله ملی و مسائل تشکیلاتی و الویت های سازمان به تصویب رساند. کنگره هم چنین دو پیام یکی به کارگران کارخانه شادان پور و دیگری در رابطه با جنایات علیه زنان صادر کرد. در پایان، کنگره اعضای کمیته مرکزی و کمیسیون نظارت و رسیدگی به شکایات را انتخاب کرد. پایان بخش برنامه های کنگره، اجرای قطعه ای نمایشی توسط کودکان و سپس خواندن سرود انترناسیونال بود. مجموعه اسناد کنگره در این شماره و گزارش آن در شماره آینده تک برگی راه کارگر منتشر می شود.

قطع نامه کنگره ششم سازمان در باره مسئله ملی

کنگره ششم راه کارگر در پی گیری و ادامه سیاست خود در رابطه با مسئله ملی در ایران قطع نامه زیر را به تصویب می رساند:
الف- راه کارگر هرکس و یا هر جریانی که روی برتری نژادی یا تباری تأکید کند را نژادپرست می شناسد؛
ب- آن هایی که "وحدت ملی ایرانیان" را در "اسلام" و یا در "زبان فارسی" جستجو می کنند، در واقع به وحدت و هم بستگی ملل و اقوام ایرانی لطمه می زنند؛
ج- زبان فارسی فقط زبان ارتباطی (زبان میانجی) ملیت ها و اقوام ساکن ایران است و نه بیشتر. زبان فارسی زبان ملی همه اقوام و ملل ایرانی نیست؛
د- جمعیت کشور ما غیراز فارس ها حداقل به پنج گروه ملی تقسیم میشود: ترک ها، کردها، عرب ها، ترکمن ها، بلوچ ها. زبان رسمی گروه های ملی-زبانی در واحدهای ملی، زبان فارسی نمی تواند باشد؛
ه- جدا از ملل و اقوام نام برده، در ایران معتقدان به مذاهب و مسالک مختلفی وجود دارند که آن ها نیز باید حقوق کاملاً برابر با دیگر شهروندان ایرانی داشته باشند؛
و- قانون اساسی جمهوری اسلامی هم بستگی مردم ایران را بیش از پیش از بین برده است. قانون اساسی باید متحدکننده تمام آحاد ملت، اقوام و ملل ساکن در درون مرزهای ایران باشد؛
ز- وحدت مردم ایران تنها در یک جمهوری فدراتیو و با اتکاء به قانون اساسی مدرن که برابری کامل حقوق تمام شهروندان را تضمین کند و حق همه ملیت ها و قومیت ها را در تعیین سرنوشت خود، از جمله حق جدایی کامل و تشکیل دولت مستقل و یا خودمختاری هر یک از ملیت ها که با تمایل آزادانه خود در یک جمهوری فدراتیو متحد می شوند را به رسمیت بشناسد، ممکن است.

قطع نامه کنگره ششم سازمان در مورد مسائل زنان

نظر به این که سازمان ما در مبارزه برای سوسیالیسم، به چالش طلییدن هنجارها و قوانین نگاه دارنده جامعه طبقاتی مبتنی بر جنسیت، و حمایت از مبارزات و سازمان یابی علیه استثمار جنسی را از وظایف خود می داند، لازم است:
۱- تبلیغ و تمرکز بر قطع نامه ی کنگره چهارم در رابطه با لغو نظام جداسازی جنسی را فعالانه تر در دستور کار قرار دهد؛
۲- درک خود از گفتمان فمینیستی را روشن و بی پرده بیان کند و برای توضیح نظر و تاکتیک های پیشنهادی اش، بدون رعایت هنجارهای مذهبی و سنتی زن ستیزانه و پدرسالارانه، همه ی اهرم ها و نیروهای تشکیلات را تجدید سازماندهی کرده و به کار گیرد؛
۳- مسئله «حق زن بر بدن و سرنوشت خود» را به عنوان یکی از موضوعات محوری در ادبیات کتبی و شفاهی به بحث بگذارد، تبلیغ کند و از نیروها و جنبش هایی که برای تحقق این مسئله مبارزه می کنند، حمایت کند، از حق آزادی رابطه جنسی دفاع کند و در هم یاری و هم فکری با آن بخش از جنبش فمینیستی ایران که گرایشات سوسیالیستی دارد از همه نیرو و توان خود سود جوید؛
۴- بررسی و شناخت ویژه گی ها و خواست های اکثریت زنان جامعه ما، یعنی زنان جوان را با توجه به جسارت و قابلیت که در زیرپاگذاردن مناسبات زن ستیزانه و جدائی جنسی از خود نشان می دهند و دست یابی به ازبایی های جدید و متناسب با این نیروی نوین جنبش برابری طلبی را به عنوان یکی از رؤس کارهای نظری و سیاسی قرار دهد؛
۵- پیش برد مباحث و سازماندهی حول موارد بالا را تنها در حوزه ی وظایف رفقای زن تشکیلات نداند و بر بقایای تقسیم کار جنسی در تشکیلات در رابطه با نگاشتن و پیش برد مباحث مربوط به مسائل زنان، نقطه ی پایان بگذارد و در جاری ساختن آن در مناسبات تشکیلاتی دقت لازم به عمل آورد.

یک سو، و برانگیختگی مردم از سوی دیگر، هرچه بیشتر ناگزیر می شوند طرح های شان را با حد تحمل دستگاه ولایت منطبق سازند. به عبارت دیگر، پویایی درگیری های فزاینده مردم با نظام، دیگر نمی گذارد آن ها هم چون سپر پیش روی مردم در مقابل دستگاه ولایت عمل کنند. حتی فراتر از این، آن ها به عامل گند کننده در مبارزات آزادی خواهانه مردم می شوند. و حضور آن ها در حکومت، میدان مانور دستگاه ولایت را، مخصوصاً در سطح بین المللی، فراخ تر می سازد و غالب قدرت های غربی فرصت می یابند که به بهانه های حمایت از آن ها، افکار عمومی مترقی جهانی را نادیده بگیرند و در پی منافع سوداگرانه شان هرچه بیشتر با استبداد مذهبی حاکم کنار بیایند. و همین پویایی درگیری های فزاینده مردم با نظام، دستگاه ولایت را به سازمان دادن بزرگ ترین گسست ایدئولوژیک در تاریخ موجودیت جمهوری اسلامی ناگزیر ساخته است. رژیم که خود را برآمده از انقلاب مردم و بیان اراده آن ها معرفی می کرد، اکنون زیر آتش اعتراضات توده ای ناگزیر شده هر روزه از تریبون های رسمی اش اعلام کند که رأی مردم در مقابل رأی ولی فقیه ارزشی ندارد و مشروعیت ولی فقیه و ولایت فقیه از رأی مردم ناشی نمی شود. اما پُررنگ شدن غیرقابل انکار تز «حکومت اسلامی» در مقابل «جمهوری اسلامی»، نه تنها برانگیختگی عمومی مردم در مقابل رژیم را شدت می بخشد و آن را، مخصوصاً به لحاظ ایدئولوژیک، نابه هنگام تر و دفاع ناپذیرتر می سازد؛ بلکه در مجموع، به تنش های شدید در دستگاه های ایدئولوژیک و حتی دستگاه های سرکوب آن نیز دامن می زند و اصطکاک منافع بخش های مختلف طبقه سیاسی حاکم را تشدید می کند. تصادفی نیست که اکنون بخش قابل توجهی از کادرهای رده بالای حکومتی، با خشونت تمام از نهادهای قدرت رانده می شوند و بعضی حتی به زندان های طولانی محکوم می شوند؛ تصادفی نیست که حتی در رده های بالای روحانیت، مخالفت با ولایت فقیه و مخصوصاً اختیارات نامحدود ولی فقیه به سرعت گسترده تر می شود و «دادگاه ویژه روحانیت» اکنون به یکی از فعال ترین نهادهای سرکوب تبدیل شده است. و رانده شدن اصلاح طلبان غیرمعتقد به ولایت فقیه از هر نوع ائتلاف در پیرامون حکومت و محروم شدن آن ها از امکانات فعالیت قانونی، ریزش در پایه های جمهوری اسلامی را شتاب می بخشد؛ اصلاح طلبی را متناقض تر و شکننده تر می سازد و انزوای بلوک حکومتی را افزایش می دهد. خلاصه: تجربه یک سال گذشته نشان داد که به ناگزیر مبارزات آزادی خواهانه ی مردم ایران می بایست عمدتاً از

مجاری فراقانونی، در مقابله ی مستقیم با ولایت فقیه، با بی اعتنائی به وعده ها و توصیه های اصلاح طلبان حکومتی و بی اعتبارسازی آن ها پیش برود و این به آن معنا نبوده و نیست که اکثریت مردم هنوز از مبارزات اعتراضی قانونی سود نجویند.

۲) پیشروی مبارزات مردم در مجاری فراقانونی، همان طور که پیش بینی می شد، با کندی و دشواری انکارناپذیری صورت می گیرد. زیرا با آشکارتر شدن بن بست اصلاح طلبی، دیگر نه تنها نمی تواند از امکانات و ارتباطات سراسری اصلاح طلبان حکومتی بهره برداری کند، بلکه ناگزیر است از طریق رودرویی با هر دو جناح رژیم صورت بگیرد. البته این از نتایج گریزناپذیر بلوغ جنبش ضداستبدادی مردم است که در سال های اخیر آن چنان رشد یافته است که دیگر نمی تواند از بالا آویزان شود، بلکه ناگزیر است روی پاهای خود بایستد. فراموش نباید کرد بحث بر سر کمیت حرکت های اعتراضی نیست، در واقع، تشدید سرکوب گری دستگاه ولایت در یک سال گذشته، نتوانسته از شمار این حرکت ها بکاهد. همه شواهد نشان می دهند که دامنه مبارزات مردم به نحوی چشم گیر در گسترش است و ضرب آهنگ اقدامات اعتراضی تندتر می شود. بویژه در چند ماه اخیر گسترده ترین جنبش مبارزاتی مردمی، جنبش اقتصادی طبقه ی کارگر ایران بوده است؛ این جنبش که در سال های اخیر بی سابقه است، رو به گسترش بوده و در رشد خود با هر دو جناح رژیم اسلامی برخورد کرده است، چه در چهارچوب نهادهای اقتصادی تحت کنترل ولایت فقیه (مانند بنیاد مستضعفان) و چه در تقابل با سیاست های خصوصی سازی و بستن کارخانه ها توسط دولت خاتمی. مسئله اصلی این است که چگونه این حرکت ها می توانند با هم پیوند یابند و یک جنبش توده ای مستقل، با ارتباطات و مجاری مستقل سراسری به وجود بیاورند که هر چه بیشتر در جهت رویارویی مستقیم با رژیم و درهم شکستن آن پیش برود. مسئله این است که تقریباً همه مردم ایران به وضع موجود معترض اند و آن را تحمل ناپذیر می یابند، اما همه، خواست های شان را به یک زبان بیان نمی کنند و همه، انگیزه ها و مطالبات واحدی ندارند. مشخصه کنونی جنبش ضداستبدادی مردم این است که الف - حرکت های اعتراضی بخش های مختلف مردم پراکنده اند و از ارتباط ساختاری با هم دیگر برخوردار نیستند. این پراکندگی فقط به ارتباط میان لایه ها و طبقات اجتماعی مختلف محدود نمی شود، بلکه هر نوع هم آهنگی میان بخش های مختلف یک لایه اجتماعی واحد را نیز دشوار می سازد. ب - اکثریت قاطع حرکت های مردم هنوز خصلت واکنشی دارند و بنابراین، نمی توانند به حد کافی دوام بیاورند و زنجیره واحدی از حرکت های هم سو را معنا بخشند. ج - انگیزه ها و

مطالبات متفاوت در حرکت های گروه های مختلف مردم - که امری کاملاً طبیعی است - هنوز نمی توانند به مخرج مشترک هایی قابل اتکاء در مقیاس وسیع تبدیل شوند. ه - اکثریت عظیم حرکت های اعتراضی مردم هنوز نمی توانند به بیان سیاسی دست یابند. زیرا هنوز نمی توانند مسائل مشخص خود را با مسائل عمومی مطرح در افق های اجتماعی کلان، مرتبط سازند. ه - از شبکه ارتباطات و اطلاعات سراسری مستقل از رژیم - که لازمه یک جنبش قوام یافته است تا بتواند هم بستگی مردم را در مقابل استبداد مذهبی انسجام و استحکام بخشد - و قابل اتکاء در مقیاس توده ای وسیع، برخوردار نیست. با این همه، فراموش نباید کرد که «نیروی شگرف مفهوم منفی» - یعنی به جان آمدن از شرایط ناشی از موجودیت جمهوری اسلامی - همه مردم را برمی انگیزاند و در سطحی معین، به هم بستگی می کشاند، هم بستگی در مقابل استبداد مذهبی. آگاهی از این هم بستگی، نقداً، مهم ترین دست آورد مبارزات مردم ایران در چند سال اخیر است. این هم بستگی - که اکنون در حافظه تاریخی توده ای مردم ثبت شده و فعلاً عمل می کند - مهم ترین سکوی است که هر جنبش مستقل و پیش رو مردمی، با تکیه بر آن می تواند قوام یابد.

۳) جنبش آزادی خواهانه کنونی مردم ایران در صورتی می تواند از سطح یک شورش صرف علیه استبداد فقهاتی فراتر برود و به یک جنبش برخوردار از هدف های اثباتی روشن تبدیل شود که اولاً - از زیر نفوذ اصلاح طلبی به طور کلی، و اصلاح طلبان حکومتی به طور اخص، کاملاً خارج شود. ثانیاً - مطالبات عمومی جنبش، به مخرج مشترک مطالبات بخش های مختلف مردم تبدیل شود و به خواست های بی واسطه اکثریت وسیع مردم کشور متکی باشد. ثالثاً - سنگربندی مدنی اکثریت عظیم مردم ایران، هم به لحاظ ایدئولوژیک، و هم به لحاظ ساختاری، در راستای هدف های جنبش عمومی تقویت شود. این تحولات حیاتی، حتی در سطح ضداستبدادی کنونی، بیش از هر چیز، وجود یک جنبش چپ معطوف به سوسیالیسم را می طلبد؛ چپی که رادیکالیسم انقلابی را نه در شورش گری زندانی در محدوده سرمایه داری، بلکه در پیکار مداوم برای گذار به سوسیالیسم ببیند؛ توده زحمت کشان و محرومان و لگدمال شدگان را نه یک نیروی شورش کور، و نه یک مرکب راهوار برای پریدن به قدرت، بلکه نیروی اصلی و فاعل آگاه و آزاد هر تغییر مترقی برای دست یافتن به حق شهروندی برابر تلقی کند؛ خود را از قید و بند طرح های فرقه ای و مقدسی که مردم حق چون و چرا در باره آن ها را نداشته باشند، رها کند؛ و خود را نه آموزگار همه دان مردم، بلکه مدافع پاگرفتن و

قطعنامه کنگره ششم سازمان در رابطه با اتحاد چپ کارگری

- * نظر به این که اتحاد چپ کارگری ایران با پای بندی به مبارزه طبقاتی کارگران، راه های مداخله موثر در این مبارزه و جنبش مزد و حقوق بگیران را در سرفه برنامه ی خود قرار داده است؛
- * نظر به این که اتحاد چپ کارگری ایران در پاسخ به فائق آمدن بر پراکندگی و تشتت چپ رادیکال قدم هایی در حد توان خود برداشته و سنگ چین هائی از موفقیت نسبی را در این مسیر بر جا گذاشته است؛
- * نظر به این که این اتحاد، فرقه گرایی ایدئولوژیک را به چالش کشیده و با بازبینی گذشته، جستجوی راه کارهای جدیدی را در دستور قرار داده است؛
- * نظر به این که اتحاد چپ کارگری در سال گذشته نشان داده است که با روی آوردن نیروهای منفرد و محافل چپ، می تواند و ظرفیت آن را دارد که فرای توان کنونی اش، دورنمای گسترده تری داشته باشد؛
- * نظر به این که اتحاد چپ کارگری گام مشخصی است که در رابطه با پروژه «اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم» برداشته شده است و جز این اتحاد قدم عملی و مشخص دیگری در این رابطه برداشته نشده است که پاسخی به فرقه گرایی بوده و خود را تثبیت کرده باشد؛
- * نظر به این که اتحاد چپ کارگری با همه ناکامی های ش در نقشه ها و توقعات اولیه اش در ارتباط با جمع کردن احزاب و تشکل های چپ خارج از کشور، اینک از هدف جمع کردن فرقه ها و فرقه گرایان فاصله می گیرد و با تلاش برای جلب و جذب محافل و افرادی که اهداف آن را در مبارزه با فرقه گرایی و کمک به جنبش کارگری و سوسیالیستی داخل ایران و اتحاد طبقاتی کارگران درک می کنند، در راستای جبران اشتباهات گذشته و گشودن افق گسترش حرکت می کند؛
- * نظر به این که گزارش عمل کرد اتحاد چپ کارگری در سال گذشته حاکی از تبدیل شدن این نهاد به یک اهرم کیفی در میان نهادهای ایرانی، با ظرفیت رشد، در جهت انعکاس مبارزات کارگران و جنبش های اجتماعی هم سرنوشت با آنان در سطح جهانی و در جهت جلب هم بستگی بین المللی با این مبارزات است؛
- * - نظر به این که سازمان ما در پی آن است که همه اهرم ها، وسائل و امکانات را برای اتحاد طبقاتی کارگران، دفاع از جنبش های هم سرنوشت با آنان و کمک به تکوین یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران بکار بگیرد، اتحاد چپ کارگری را چه از لحاظ تثبیت و ارائه یک راه و نگرش نوین در اتحاد طبقاتی، و چه به لحاظ تبدیل شدن به یک اهرم تبلیغاتی و هم بستگی بین المللی با امکانات بالفعل و ظرفیت های بالقوه در این راستا می داند. این تشکل یکی از ابزارها و اهرم های واقعاً موجود برای نقد و تأثیر گذاری بر مبارزات طبقاتی و جنبش های اجتماعی از طریق خارج از کشور است که می تواند از اهرم های بین المللی استفاده کند که هیچ یک از احزاب و سازمان های چپ خارج از کشور و از جمله سازمان خود ما (که روابط بین المللی بسیار ضعیفی دارد)، به تنهایی توان بکار انداختن چنین اهرمی را نداشته اند. لذا سازمان ما اتحاد چپ کارگری را باید یکی از آن اهرم ها و امکانات متنوع و متعددی به حساب بیاورد که در راستای کمک به تحقق پروژه اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم در داخل کشور کارکرد و ظرفیت و آینده دارد؛ تنها اهرم و امکانی که هر اندازه هم اشکال و نارسائی داشته باشد، واقعاً موجود و نقد و عملاً فعال و رو به رشد است.
- * نظر به نکات بالا، کنگره ششم سازمان، «اتحاد چپ کارگری» را با توجه به راستائی که در پیش گرفته است، و با نقشی که در قبال جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی داخل ایران آغاز کرده است، جزئی لازم و مفید از مجموعه ملزومات و ابزارهای کمک به پروژه اتحاد هواداران سوسیالیسم در ایران ارزیابی کرده، سازمان را در راه تحقق این پروژه، موظف به هم کاری و هم آهنگی با اتحاد چپ کارگری و کمک به آن در جهت پیوند با جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی در ایران، و تقویت آن در نقشی می داند که از خارج از کشور می تواند در قبال این جنبش ها ایفا کند.

پایدار ماندن آگاهی و آزادی و جنبش مستقل اکثریت عظیم بداند. در این رابطه در شرایط کنونی وظیفه ی فعالین چپ انقلابی برای پی گیری وظیفه ی دائمی خود یعنی کمک به سازماندهی مبارزه ی طبقاتی کارگران و تهیدستان در بطن جنبش عمومی ضد استبدادی، هم زمان با شرکت در مبارزه ی عمومی برای دموکراسی و آزادی های سیاسی و مدنی، به معنای تلاش متمرکز در جهت مداخله در مبارزه ی جاری گسترده کارگران ایران که عمدتاً به شکل دفاع از اشتغال و دریافت به موقع حقوق صورت می گیرد و ترکیبی از اشکال قانونی و فراقانونی در جهت رسیدن به اهداف خود به کار می برد، می باشد.

۴) برای شکل گیری یک جنبش چپ دارای مشخصات یادشده، لازم است که الف - همه آن هایی که خود را مدافع اهداف آن می دانند، فعلاً تلاش کنند مطالبات سیاسی جنبش ضد استبدادی کنونی را به مطالبات بی واسطه بخش های مختلف کارگران و زحمت کشان - یعنی همان اکثریت عظیم مردم ایران - ترجمه و تبدیل کنند و متقابلاً مطالبات بی واسطه این اکثریت عظیم را نیز، از طریق طرح و درگیری های فعال و همه جانبه، به زبان سیاسی جنبش عمومی تبدیل کنند. ب - خانه تکانی فکری قاطعی را در صفوف همه فعالان چپ و رادیکال سازمان بدهند و به جای الگوی سوسیالیسم دولتی، استبدادی و پدرسالار، به یک الگوی سوسیالیستی واقعاً دموکراتیک و قابل توده گیر شدن، دست یابند. ج - ضرورت عاجل ائتلاف ها، اتحادها و هم آهنگی های پرتحرک در راستای دست یابی به جنبش توده ای معطوف به سوسیالیسم در بطن همین مبارزات ضد استبدادی را دریابند. د - از طریق مصلحت طلبی های تنگ نظرانه، پیکار برای سوسیالیسم را به آینده ای نامعلوم موکول نکنند و ضرورت هم کاری گسترده برای پیش برد و تقویت مبارزه جهت دموکراسی را دریافته باشند.

«راه کارگر الکترونیکی»

صفحه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با شکل و محتوای

جدید!

شامل اطلاعیه ها و اعلامیه های سازمان، تک برگی راه کارگر، نشریه راه کارگر، مقالات و تحلیل های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اخبار و روی دادهای سیاسی روز و هفته، گزارشات آکسیون ها، طنز، شبکه ارتباطی با سایر سایت های ایرانی.

از صفحه سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر) در اینسترن

دیدن کنید

کمک مالی دریافت شده
یک دوست هم سنگر آزادی از انگلستان، ۲۰ پوند
IF پاریس ۱۹۷۰ فرانک
علی اصغر قدیری ۵۰ مارک

پیام کنگره ششم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به کارگران اعتصابی کارخانه کفش

شادان پور

دوستان کارگر

ما شرکت کننده‌گان در این کنگره، با علاقه و خرسندی فراوان اخبار تظاهرات شما و دیگر کارگران زحمت کش کارخانه‌ها و کارگاه‌های ایران که در جهت دفاع از شغل و کسب حقوق عقب‌افتاده خود با کارفرماها و سرمایه‌داران به مبارزه برخاسته‌اید را دنبال می‌کنیم. آن چه نقطه قدرت شما کارگران را تشکیل می‌دهد، همبستگی و اتحاد طبقاتی، کمک و هم‌یاری شما به یک‌دیگر در این مبارزه مشترک است. اگر کارفرماها و سرمایه‌داران از حمایت آشکار یا پنهان مقامات دولتی و سردم‌داران رژیم جمهوری اسلامی برخوردارند که نیروهای انتظامی خود را به مصاف شما می‌فرستند، شما با به هم پیوستن هزاران هزار بازوی زحمت کش و پر قدرت خود صفتی را تشکیل می‌دهید که اگر عزم کند هیچ نیروئی را به بسادگی توان ایستادن در برابرش نیست. این‌را کارگران قبلاً در مبارزه با اصلاحیه ارتجاعی قانون کار در مورد کارگاه‌های کوچک نشان داده‌اند و حال نیز با پیگیری مبارزات برحق خویش، هر روز نشان می‌دهند.

در این میان اقدام بی‌سابقه‌ی شما در پیوستن به کارگران چیت‌ری و حمایت عملی از خواسته‌های آنان در تظاهرات برابر مجلس اسلامی، که نشان از آگاهی شما به لزوم اتحاد و همبستگی کارگران کارگاه‌ها و کارخانجات مختلف دارد، و مبارزه‌ی مشترک شما برای دفاع از اشتغال، مبارزه با تعطیل کارخانه‌ها، خصوصی کردن‌ها و بیبکاری گسترده‌ی ناشی از آن، و دریافت حقوق و مزایای پرداخت نشده‌ی خویش، در شرایطی که کارفرمایان، سرمایه‌داران و آقازاده‌ها میلیاردها تومان از ثروت و سرمایه عمومی و دست‌رنج مستقیم کار شما را به یغما برده و می‌برند و کوچکترین توجهی به شکم‌های گرسنه شما و فرزندان‌تان، به اجاره خانه‌های عقب‌افتاده و هزینه‌ی دائماً رو به افزایش مایحتاج عمومی ندارند، نقطه عطفی در این مبارزات بوده و شما را هم چون طلایه‌داران همبستگی کارگران ایران به جهانیان معرفی کرده است.

ما به عنوان مدافعان و هم‌راهان مبارزه‌ی برحق کارگران ایران، از طرف خود و همه هم‌زمانی که به اشکال مختلف در جهت گسترش و تعمیق مبارزه و همبستگی طبقاتی شما کارگران رزمنده‌ی ایران فعالیت می‌کنند، به شما درودهای رقیقانه خود را نثار کرده و دستان توانای‌تان را به گرمی می‌فشاریم.

باشد که در آینده‌ی نزدیک شاهد تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری، این گام ضروری و اساسی در جهت برپایی یک سنگر دائمی در دفاع از منافع برحق کارگران ایران و در راستای نهادینه کردن دموکراسی در ایران باشیم. ما در این راه با تمام قوای فکری و مادی خود در میان شما خواهیم بود.

زنده باد همبستگی کارگران!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

پیام کنگره ششم سازمان کارگران ایران (راه کارگر) در اعتراض به قتل‌های زنجیره‌ای زنان

قتل‌های زنجیره‌ای زنانی که شلاق همه و هرگونه مظاهر ساختار مردسالاری جامعه ایران و رژیم پاسدار این ساختار را یک‌جا بر پیکر خود دارند، خشم و نفرت ما را بر می‌انگیزد و کینه ما را نسبت به این ساختار و حکومت مذهبی پاسدار و مقوم آن و اراده‌ی ما را برای مبارزه قطعی و همه‌جانبه با آن و فمینیستی کردن مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و رژیم روحانیون تشدید می‌کند.

اگر اکثریت قاطع زنان ایران با نافرمانی مدنی در مقابل سیاست سرکوب رژیم اسلامی و تحکیم و تشدید مبنای مردسالار جامعه ایران مقاومت می‌کنند، آمیزه‌ای از ستم جنسی، اقتصادی و تباهی اجتماعی ناشی از استقرار یک دستگاه فاسد حکومتی این زنان را زیر لگدهای بیرحمانه مردسالاری سرمایه‌دارانه از پای در آورده و به اسناد زنده فساد این رژیم و فاجعه بار بودن تداوم آن تبدیل کرده است. پاک‌سازی این اسناد از طریق تدارک مستقیم و غیرمستقیم قتل‌عام آن‌ها، روشی است که رژیم‌های فاشیستی قبلاً هم نمونه‌های آن‌را در تاریخ به جا گذاشته‌اند و همین ارثیه‌ی فاشیستی است که در رژیم اسلامی به کار گرفته می‌شود. رژیم مذهبی ایران این ارثیه‌ی فاشیستی را با شیوه‌های قانونی یعنی سنگ‌سار و اعدام متمردين و یا قربانیان نظام مردسالار تکمیل هم کرده است.

ما:

نه تنها این جنایات هولناک را محکوم می‌کنیم و خواهان دادخواهی قربانیان این رژیم هستیم؛

نه تنها مصمم هستیم که از حقوق مدنی زنانی که ستم مردسالارانه مذهبی آن‌ها را به تن فروشی واداشته دفاع کنیم؛

بلکه هم‌چنین هر نوع برخورد انفعالی با این جنایات هولناک که چیزی نیست جز تسلیم شدن به نظام مردسالار و ارزش‌ها و اخلاق و فرهنگ آن را محکوم می‌کنیم و از همه مردم ایران و بویژه زنان آزادی‌خواه و برابری طلب می‌خواهیم که عاملان و آمران این قتل‌ها را به دادگاه مردم بکشانند.

اطلاعیه «رادیو برابری»

از روز ۱۸ تیر ۱۳۸۰ «رادیو برابری» برنامه‌های عادی خود را آغاز کرده است

«رادیو برابری» که از مدتی قبل برنامه‌های آزمایشی خود را آغاز کرده بود از روز ۱۸ تیر ۱۳۸۰، سال‌گرد حماسه باشکوه قیام دانشجویان و جوانان کشورمان علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، کار عادی خود را شروع کرده است.

«رادیو برابری» تریبونی است برای اطلاع‌رسانی، برای شکستن دیوار سانسور و اختناق و انعکاس صدای همه کسانی که در ایران امروز برای آزادی و برابری تلاش و مبارزه می‌کنند.

برنامه‌های «رادیو برابری» هر روز ساعت نه و نیم شب به وقت تهران برابر با هفت بعدازظهر به وقت اروپای غربی بر روی فرکانس ۷۴۸۰ کیلوهرتز ردیف ۴۱ متر پخش می‌شود. برنامه‌های «رادیو برابری» هم‌زمان از طریق اینترنت در همه نقاط دنیا قابل دریافت است.

آدرس سایت برابری www.barabari.net می‌باشد. در صفحه اینترنتی برابری آرشیو برنامه‌های «رادیو برابری» در اختیار شما قرار دارد.

به برنامه‌های «رادیو برابری» گوش فراداده و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید!